

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران

# درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

کتاب الطهارة

سطح ۲

## درس سیزدهم

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای مهاجری

## مقدمه

در درس گذشته نُه شرط از شرائط وضوء بیان گردید و مستند شرط اول مورد بحث و بررسی قرار گرفت . در این درس مستندات مربوط به هفت شرط دیگر وضوء مورد بررسی قرار خواهد گرفت که این شرائط عبارتند از:

- طهارت آب وضوء
- مباح بودن آب وضوء
- مطلق بودن آب وضوء
- ترتیب
- موالات
- مباشرت در افعال وضوء
- طهارت اعضای وضوء

برای فهم بهتر این درس توصیه می شود به بحث قیاس اصول فقه مراجعه شود.

## متن عربى

- ٢- و أما اعتبار طهارة الماء فلموثقة سماعة عن ابى عبد الله عليه السلام: «رَجُلٌ مَعَهُ إِنَاءٌ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَذْرٌ وَ لَأَ يَدْرِي أَيُّهُمَا هُوَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِ قَالَ يَهْرِيْقُهُمَا جَمِيعاً وَ يَتَيَمَّمُ» و غيرها من الروايات الكثيرة المتواترة.
- ٣- و أما اعتبار إباحته فلائنه بدونها يكون التوضأ تصرفاً غصبياً محرماً و بالتالى لا يمكن أن يتصف بالعبادية.
- ٤- أما اعتبار اطلاقه فيمكن الاستدلال له باطلاق قوله تعالى: (فلم تجدوا ماء فتيمموا...) )
- ٥- و أما اعتبار الترتيب فيقتضيه صحيح زرارة: «سُئِلَ أَحَدُهُمَا عَنِ رَجُلٍ بَدَأَ بِيَدِهِ قَبْلَ وَجْهِهِ وَ بِرِجْلَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ قَالَ يَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ وَ يُعِيدُ مَا كَانَ» و غيره.
- و الصحيح المذكور- كما هو واضح- لا يدل على لزوم تقدم غسل اليد اليمنى إلا أنه يمكن الاستدلال لذلك بصحيح منصور بن حازم المتقدم.
- ٦- و أما اعتبار الموالاة فمقتضى اطلاق الآية الكريمة عدمه إلا أن صحيحة معاوية: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رُبَّمَا تَوَضَّأْتُ فَنَفِدَ الْمَاءُ فَدَعَوْتُ الْجَارِيَةَ فَأَبْطَأَتْ عَلَيَّ بِالْمَاءِ فَيَجِفُّ وَضَوْبِي فَقَالَ أَعِدْ» دلَّت على اعتبار الموالاة بمعنى عدم الجفاف.
- ٧- و أما اعتبار المباشرة فيمكن استفادته من آية الوضوء اذ بدونها لا يتحقق اسناد الفعل الى الفاعل الذى يدل على اعتباره ظاهر الآية.
- ٨- و أما اعتبار طهارة الاعضاء فقد ذهب اليه المشهور و لا دليل له سوى القياس على غسل الجنابة- الذى دلَّت صحيحة زرارة و غيرها على لزوم غسل المواضع المتنجسة قبله- أو لأن تنجس الاعضاء يستلزم تنجس الماء.
- و كلاهما قابل للتأمل. أما الاول فلاحتمال الفارق و أما الثانى فلإمكان فرض عدم تنجس الماء فى بعض الحالات كما فى الارتماس فى الكثير او فرض طهارة الغسالة المتعقبية بطهارة المحل. و عليه فلا وجه لاعتبار طهارة الاعضاء اذا لم يلزم من تنجسها تنجس الماء.

## مستند لزوم طهارت آب وضوء

شرط دوم طهارت آب وضوء است پس وضوء با آب متنجس باطل است. در مورد این شرط روایات زیادی وجود دارد که یکی از آنها موثقه سماعه است. در این روایت راوی از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سوال می‌کند که دو ظرف دارد که می‌داند یکی از آندو نجس است اما نمی‌داند کدامیک است و آب دیگری هم ندارد، برای وضوء چه کند؟ امام علیه السلام در جواب می‌فرماید: «هر دو آب را بریزد و تیمم کند». از این روایت به خوبی لزوم پاک بودن آب وضوء استفاده می‌شود.

## مستند لزوم مباح بودن آب وضوء

دلیل شرط سوم یعنی مباح بودن آب وضوء این است که اگر آب وضوء غصبی باشد، وضوی با آن هم تصرف در آب غصبی بوده و حرام می‌باشد و از طرفی با وضوی حرام نمی‌توان قصد امتثال امر خدا را کرد؛ پس وضوء با آب غصبی باطل است.

## مستند لزوم مطلق بودن آب وضوء

مستند شرط چهارم یعنی مطلق بودن آب وضوء آیه ۶ سورة مائده است که در آن آمده است: «: (فلم تجدوا ماء فتیمموا...)»<sup>۱</sup> یعنی اگر آب نیافتید، وظیفه تیمم است و همانطور که در درسهای ابتدای کتاب بیان داشتیم آب به صورت مطلق بر آب مضاف اطلاق نمی‌گردد و تقسیم آب به مطلق و مضاف تقسیمی مجازی است. در این آیه هم کلمه «ماء» بر آب مضاف صدق نمی‌کند و در صورتی که آب مطلق نداشته باشیم وظیفه تیمم است و نمی‌توان با آب مضاف وضوء گرفت. FG ۱

## تطبیق

۲- و أما اعتبار طهارة الماء فلموثقة سماعة عن ابي عبد الله عليه السلام: «رَجُلٌ مَعَهُ إِتَاءٌ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَدْرٌ وَ لَأَ يَذْرَى أُيْهُمَا هُوَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِ قَالَ يُهَرِّقُهُمَا جَمِيعاً وَيَتِيمَمُ»<sup>۲</sup> و غيرها من الروايات الكثيرة المتواترة. و اما لزوم پاک بودن آب وضوء به خاطر موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام: «(از امام سوال کردم در مورد مردی که دو ظرف آب همراهش وجود دارد که در یکی از آندو نجاستی می‌افتد و نمی‌داند که در کدامیک افتاده است و قدرت بر تهیه آبی غیر از آن هم ندارد؟ فرمود: هر دو آب را بریزد و تیمم نماید» و غیر آن از روایات فراوان متواتر می‌باشد.

۳- و أما اعتبار إباحته فلائنه بدونها يكون التوضأ تصرفاً غصبياً محرماً و بالتالي لا يمكن أن يتصف بالعبادية. و اما لزوم مباح بودن آب وضوء به خاطر این است که بدون مباح بودن آب، وضوء گرفتن تصرف غصبی حرام است و در نتیجه امکان متصف شدن به عبادت را ندارد. (پس باطل است).

۱. المائدة: ۶.

۲. وسائل الشیعه، باب ۸ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۲.

۴- أما اعتبار اطلاقه فيمكن الاستدلال له باطلاق قوله تعالى: (فلم تجدوا ماء فتيمموا...)¹

اما بر لزوم م طلق بودن آب وضوء می توان به اطلاق قول خداوند متعال : «اگر آبی نیافتید، پس تیمم نمائید» تمسک نمود. (دستور به تیمم داده چه آب مضافی باشد و چه نباشد).

Sco1: 6: 52

### مستند لزوم ترتیب در وضوء

شرط پنجم لزوم رعایت ترتیب در اعمال وضوء به شکل زیر است:

شستن صورت- شستن دست راست- شستن دست چپ- مسح سر- مسح پای راست- مسح پای چپ

مستند این شرط روایتی از زراره است که در آن از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در مورد فردی که دستش را قبل از صورت شسته و پایش را قبل از شستن دستش مسح کرده است سوال می شود و امام علیه السلام می فرماید: «باید از همان چیزی که خدا در قرآن شروع کرده شروع نماید و وضوء را اعاده نماید». منظور امام علیه السلام از قرآن آیه وضوء: «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برءوسکم و أرجلکم الی الکعبین» می باشد که می فرماید: «صورت و دستهایتان ... را بشوئید و سرها و پاهایتان را .... مسح نمائید» و همانطور که دیده می شود در ابتدا شستن صورت و سپس شستن دستها را بیان می دارد و بعد از آن مسح سر و در نهایت مسح پاها را اضافه می کند و امام علیه السلام به همین ترتیب اشاره دارند.

### اشکال

لزوم مقدم بودن دست راست از آیه وضوء استفاده نمی شود زیرا گفته «فاغسلوا.... ایدیکم» یعنی دستهایتان را بشوئید و نگفته است که کدام را اول بشوئید.

### جواب

لزوم مقدم بودن دست راست را می توان از صحیحۀ منصور بن حازم که در مستند ۶ کیفیت وضوء گذشت، استفاده نمود البته همانطور که آنجا گذشت مدلول این صحیحۀ عدم جواز مقدم شدن دست چپ بود ولی مقارن بودن شستن دو دست را نفی نمی کرد بنابر این نظر مصنف در آنجا این شد که شستن همزمان دو دست در مثل وضوی ارتماسی اشکال ندارد.

### تطبیق

۵- و أما اعتبار الترتیب فیقتضیه صحیح زرارة: «سُئِلَ أَحَدُهُمَا (ع) عَنْ رَجُلٍ بَدَأَ بِيَدِهِ قَبْلَ وَجْهِهِ وَ بَرَجْلَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ قَالَ يَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ وَ يُعِيدُ مَا كَانَ»² و غیره.

و اما لزوم ترتیب بین اعضای وضوء را صحیحۀ زراره: «از یکی از آن دو بزرگوار (امام صادق یا امام باقر علیهما السلام) در مورد فردی سوال شد که قبل از صورت، دستش را شسته است و قبل از شستن دو دستش دو پایش را مسح نموده

۱. المائدة: ۶.

۲. وسائل الشیعه، باب ۳۵ من ابواب الوضوء، حدیث ۱.

است؟ فرمود: باید به همان چیزی شروع نماید که خداوند متعال در قرآن شروع نموده است و آن وضویی را که انجام داده بود، تکرار نماید» و غیر آن اقتضا می نماید.

و الصحيح المذكور - كما هو واضح - لا يدل على لزوم تقديم غسل اليد اليمنى إلا أنه يمكن الاستدلال لذلك بصحيح منصور بن حازم المتقدم.

و صحیحۀ مذکور - همانطور که واضح است - بر لزوم مقدم داشتن شستن دست راست دلالت ن می کند غیر از اینکه استدلال بر این مطلب به صحیحۀ گذشته منصور بن حازم ممکن می باشد.

Sco2: ۱۳: ۰۶

### مستندات لزوم موالات و مباشرت در وضوء

شرط ششم از شرائط وضوء لزوم رعایت موالات است . موالات به این معنا است که هنگام ورود به یک جزء نباید جزء قبلی آن خشک شده باشد؛ مثلاً هنگام شستن دست راست نباید صورت خشک شده باشد. اگر غیر از آیه وضوء دلیل دیگری نداشتیم، موالات شرط نبود زیرا آیه وضوء مطلق است و گفته صورت و دستها را بشوئید و سر و پاها را مسح نمائید و نسبت به رعایت موالات مطلق است و حرفی به میان نیاورده است ولی صحیحۀ معاویه بن عمار بر لزوم موالات دلالت می نماید و آیه مذکور را تقييد می نماید. در این صحیحۀ راوی از امام صادق علیه السلام سوال می کند که بعضی وقتها در حال وضوء گرفتن هستم و آب تمام می شود و کنیزم را صدا می زنم که برایم آب بیاورد و او کند آب می آورد و اعضای وضویم خشک می شود چه کنم؟ و حضرت می فرماید: «وضوء را تکرار نما». از این روایت استفاده می شود که موالات - به معنای خشک نشدن اعضای سابق - لازم است و اطلاق آیه وضوء تقييد می گردد. شرط هفتم از شرائط وضوء، لزوم مباشرت در انجام افعال وضوء است؛ به این معنا که هر کسی باید خودش افعال وضوء را انجام دهد و صورت و دستهایش را بشوید و سر و پاها را مسح نماید. این شرط را می توان از آیه وضوء استفاده نمود زیرا ظاهر امر به هر کسی این است که خودش متعلق امر را انجام دهد مثلاً اگر به ما گفته شود: «اضرب بکراً» ظاهر این کلام این است که خودمان این کار را انجام دهیم. در آیه وضوء هم آمده است: «اغسلوا... و امسحوا...» و ظاهر این امر این است که هر کسی خودش شستن و مسح کردن را انجام دهد زیرا اگر کسی دیگری انجام دهد استناد شستن و مسح کردن به او می باشد پس امر الهی امتثال نشده است و این وضوء صحیح نمی باشد. ۲ FG

### تطبيق

۶- و أما اعتبار الموالاة فمقتضى اطلاق الآية الكريمة عدمه إلا أن صحیحة معاوية: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ رَبِّمَا تَوَضَّأْتُ فَنَفِدَ الْمَاءُ فَدَعَوْتُ الْجَارِيَةَ فَأَبْطَأَتْ عَلَيَّ بِالْمَاءِ فَيَجِفُّ وَضُوءِي فَقَالَ أَعِدِّي»<sup>۲</sup> دلالت علی اعتبار الموالاة بمعنی عدم الجفاف.

۱ . شخصیت بزرگواری مثل زراره از غیر از معصوم علیه السلام مطلب نقل نمی نماید و لذا روایت او از احدهما هم صحیح است زیرا احدهما یا امام باقر علیه السلام است و یا امام صادق علیه السلام.

۲ . نفس المصدر، باب ۳۳ من ابواب الوضوء، حدیث ۳.

۶- و اما در مورد معتبر بودن موالات در وضوء مقتضای اطلاق آیه کریمه وضوء عدم اعتبار آن است الا اینکه صحیحه معاویه: «به امام صادق علیه السلام گفتم: چه بسا وضوء می گیرم و آب وضوء تمام می شود پس کنیز را صدا می زنم و به کندی برایم آب می آورد و وضویم خشک می شود (اعضایی که وضوء گرفته ام خشک می شود) پس فرمود: وضوء را تکرار نما» بر معتبر بودن موالات به معنای خشک نشدن اعضای قبل دلالت دارد (و آیه را تقييد می زند).

۷- و أما اعتبار المباشرة فيمكن استفادته من آية الوضوء اذ بدونها لا يتحقق اسناد الفعل الى الفاعل الذي يدل على اعتباره ظاهر الآيه.

۷- و اما معتبر بودن مباشرت را می توان از آیه وضوء استفاده نمود زیرا بدون مباشرت، اسناد فعل به فاعل وضوء که ظاهر آیه بر اعتبارش دلالت دارد، محقق نمی شود.

Scor: ۱۹: ۲۴

### مستند لزوم طهارت اعضای وضوء

شرط هشتم لزوم طهارت اعضای وضوء است که اختلافی است و مشه و ر به آن قائل هستند. مستند این شرط دو دلیل است که هر دو ضعیف می باشند:

الف: قیاس به غسل جنابت، به این ترتیب که در غسل جنابت دلیل داریم که قبل از غسل باید اعضا تطهیر شوند و وضوء هم به غسل قیاس شده و در مورد وضوء هم گفته شده است که قبل از وضوء باید اعضا تطهیر شوند.

اشکال این دلیل این است که قیاس ظنی غیر منصوص العله حجت نیست و شاید غسل خصوصیتی داشته باشد که وضوء آن خصوصیت را نداشته باشد و لذا این حکم در مورد آن وجود نداشته باشد.

ب: نجاست اعضا باعث تنجس آب وضوء می شود و یکی از شرائط وضوء از بین می رود و وضوء باطل می شود. اشکال این دلیل هم این است که در بعضی از موارد نجاست اعضای وضوء مستلزم نجاست آب وضوء نیست که ما به دو نمونه اشاره می کنیم:

- اگر کسی با آب کر وضوی ارتماسی بگیرد به مجرد اینکه مثلاً دست نجسش را داخل آب کر بکند دست او پاک می شود و آب وضوء هم نجس نمی گردد و وضوی او صحیح است.
- اگر کسی دو مشت آب روی دست نجسش بریزد، دستش پاک می شود و اگر قائل به پاک بودن غسله آن باشیم، با همان غسله، وضوء را ادامه می دهیم و آب وضوء هم متنجس نشده است.

بنابر این در مواردی مثل دو مورد بالا دلیلی بر لزوم پاک بودن اعضای وضوء وجود ندارد. ۳ FG

### تطبيق

۸- و أما اعتبار طهارة الاعضاء فقد ذهب اليه المشهور و لا دليل له سوى القياس على غسل الجنابة- الذي دلت صحیحه زرارة و غيرها على لزوم غسل المواضع المتنجسة قبله- أو لأن تنجس الاعضاء يستلزم تنجس الماء.

۸- و اما معتبر بودن طهارت اعضای و وضوء مذهب مشهور فقهاء می باشد و دلیلی غیر از قیاس بر غسل جنابت - که صحیحه زراره و غیر آن بر لزوم شستن مواضع متنجس قبل از غسل دلالت دارد- ندارد. و یا به خاطر این است که متنجس بودن اعضای وضوء مستلزم متنجس شدن آب وضوء می شود. (و طهارت آب وضوء شرط می باشد).  
و کلاهما قابل للتأمل . أما الاول فلا احتمال الفارق و أما الثاني فإمكان فرض عدم تنجس الماء في بعض الحالات كما في الارتماس في الكثير او فرض طهارة الغسالة المتعقبة بطهارة المحل . و عليه فلا وجه لاعتبار طهارة الاعضاء اذا لم يلزم من تنجسها تنجس الماء.

و هر دو دلیل قابل اشکال است . اما دلیل اول به خاطر احتمال وجود فرق بین وضوء و غسل و اما دلیل دوم به خاطر امکان فرض عدم تنجس آب وضوء در بعض حالات مثل وضوی ارتماسی با آب کر یا فرض پاک بودن غساله ای که بعد از طهارت محل از آن جدا می گردد (و با آن وضوء ادامه می یابد). بنابر این اگر از متنجس بودن اعضای وضوء، متنجس شدن آب وضوء لازم نیاید، دلیلی بر معتبر بودن طهارت اعضای وضوء وجود ندارد.

Score: 29: 28



## چکیده

۱. روایات متواتری مثل موثقه سماعه بر لزوم پاک بودن آب وضوء دلالت دارد.
۲. لزوم مباح بودن آب وضوء به خاطر این است که وضوء با آب غضبی حرام است و با کار حرام قصد قربت متمشی نفی شود.
۳. اطلاق آیه (فان لم تجدوا ماء فتميموا) بر لزوم مطلق بودن آب وضوء دلالت دارد زیرا لفظ «ماء» بر آب مضاف اطلاق نفی شود.
۴. صحیحه زراره به همراه صحیحه منصور بن حازم بر لزوم ترتیب در وضوء دلالت دارد.
۵. اطلاق آیه وضوء با لزوم موالات سازگار نیست الا اینکه صحیحه معاویه اطلاق آن را مقید می‌نماید و موالات را شرط می‌نماید.
۶. دلیل لزوم مباشرت در افعال وضوء آیه وضوء است زیرا در صورت انجام افعال وضوء توسط دیگری اسناد افعال وضوء به نفر اول صحیح نیست.
۷. دو دلیل بر لزوم طهارت اعضای وضوء اقامه شده است که هر دو ضعیف است:
  - قیاس به غسل جنابت؛ ضعف این دلیل به خاطر این است که احتمال فرق بین وضوء و غسل منتفی نیست.
  - متنجس شدن آب وضوء به خاطر تنجس اعضا؛ ضعف این دلیل به خاطر این است که تنجس اعضا در همه جا مستلزم تنجس آب وضوء نیست.
۸. نتیجه ای که از ضعف دو دلیل بالا به دست می‌آید این است که در مواردی که تنجس اعضا مستلزم تنجس آب وضوء نباشد، دلیلی بر لزوم طهارت اعضای وضوء وجود ندارد.